



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خط فاطمیه الزهراء

با توجه به عظمت ایت الله العظمی مکارم شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها

نویسنده:

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۹	فهرست
۱۰	پیشگفتار
۱۲	عظمت و اهمیت خطبه
۱۴	اسناد و مدارک خطبه
۱۵	متن خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها
۶۱	درباره مرکز

سرشناسه: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق.

عنوان و نام پدیدآور: خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها/ مترجم مکارم شیرازی؛ به سفارش اداره فرهنگی و تربیتی مدیریت مدارس حوزه علمیه قم.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۶۰ ص.؛ ۱۶×۸ س م.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۰۰-۱

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- خطبه ها

شناسه افزوده: مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۰۵ -، مترجم

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. مرکز مدیریت. امور مدارس. اداره فرهنگی تربیتی

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: BP۲۷/۲۲م/۶ خ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۱۳۷۶۷

ص: ۱

خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها

مترجم مكارم شيرازى

ص: ۳

فهرست

- پیشگفتار: ۵
- عظمت و اهمیت خطبه ۷
- اسناد و مدارک خطبه ۹
- متن خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها ۱۰

این کتاب در ایام شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها به عنوان متن مسابقه بزرگ «حفظ خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها همراه با مفاهیم کلمات نورانی آن حضرت» تهیه و منتشر گردید و با توجه به استقبال گسترده طلاب علوم دینی پس از بازبینی و اصلاحاتی برای دومین مرتبه در تیراژ بالاتری چاپ و منتشر می گردد.

از خوانندگان گرامی درخواست می کنیم پیش از مطالعه، نکات ذیل را ملاحظه فرمایند:

۱. این نوشتار به خطبه تاریخی حضرت زهرا سلام الله علیها پرداخته است. خطبه معروفی که علاوه بر مباحث اعتقادی و تبیین جایگاه قرآن، پیامبر صلی الله علیها و آله و اهل بیت علیهم السلام حوادث و رویدادهای بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیها و آله را بررسی نموده و از جامعیت ویژه ای برخوردار است و در واقع خطبه های حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه را تداعی می کند.

۲. ترجمه خطبه از کتاب ارزشمند «زهره سلام الله علیها، برترین بانوی جهان» حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی که علاوه بر تشریح زندگانی و فضایل حضرت زهرا سلام الله علیها به شرح و ترجمه خطبه آن حضرت با بیانی زیبا و شیوا پرداخته، نقل شده است.

۳. در چاپ اول بخش «واژه شناسی» که از کتاب «شرح خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها» نوشته آیه الله سید عزالدین زنجانی» بهره گرفته ایم به صورت مستقل در پایان جزوه آمده بود. با پیشنهاد دوستان در چاپ دوم واژه های هر صفحه در همان صفحه درج شده است. امید است این تلاش مورد عنایت حضرت زهرا سلام الله علیها قرار گیرد و گام کوچکی در راه ایجاد انس با متون روایی اهل بیت علیهم السلام باشد.

با توجه به استقبال و مراجعات مکرر تصمیم به چاپ مجدد آن گرفتیم از همه عزیزان که ما را یاری نمودند کمال تشکر و امتنان را داریم.

مدیر مسئول انتشارات مسجد مقدس جمکران حسین احمدی

عظمت و اهمیت خطبه

هرچه بیشتر خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها مورد مطالعه قرار می گیرد، عظمت و اهمیت خطبه بیشتر روشن می گردد و خوانندگان محترم با مطالعه خطبه این مطلب را تصدیق خواهند نمود. لذا با توجه به ظرفیت نوشته به ذکر دو مطلب مستند در مورد عظمت و اهمیت خطبه در قالب دو عنوان اکتفا می کنیم.

۱. تعلیم خطبه:

راوی می گوید: خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها را نزد «زید» فرزند «امام سجاد» علیه السلام خواندم و گفتم: برخی گمان می کنند خطبه کلام حضرت زهرا سلام الله علیها نیست بلکه کلام «ابی العیناء» است. در پاسخ گفت: این خطبه را بزرگان آل ابوطالب از پدرانشان نقل نموده و آن را به فرزندانشان یاد می دادند. پدرم خطبه را از جدم نقل و سند آن را به حضرت زهرا سلام الله علیها

ص: ۷

رسانید و بزرگان شیعه آن را نقل نموده و مطالعه می کردند قبل از آنکه «جد ابی العیناء» متولد گردد. (۱)

۲. حفظ خطبه

«عالمه سید شرف الدین» در کتاب «المراجعات» می نویسد: حضرت زهرا سلام الله علیها دارای حجج بالغه ای است و دو خطبه آن حضرت در مورد ولایت مشهور است.

اهل بیت علیهم السلام فرزندانشان را به حفظ این دو خطبه و می داشتند آن سان که به حفظ قرآن و می داشتند. (۲)

ص: ۸

۱- بحار الانوار ج ۲۹ - ص ۲۳۵ - بلاغات النساء ص ۲۳

۲- المراجعات ص ۳۹۲

این خطبه از خطبه‌هایی است که علمای بزرگ شیعه و اهل سنت با سلسله سندهای بسیار آن را نقل کرده‌اند. برخی از منابع شیعه و اهل سنت که خطبه را به صورت کامل یا بخش‌هایی از آن را نقل نموده‌اند عبارتند از:

۱ - شرح «نهج البلاغه» اثر «ابن ابی الحدید معتزلی».

۲ - «کشف الغمه» اثر «علی بن عیسی اربلی».

۳ - «مروج الذهب» اثر «مسعودی».

۴ - «شافی» اثر «سید مرتضی».

۵ - «علل الشرایع» اثر «صدوق».

۶ - «طرائف» اثر «سید بن طاووس».

۷ - «احتجاج» اثر «مرحوم طبرسی».

و ...

ص: ۹

متن خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَالثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمُومِ نِعَمِ ابْتَدَأَهَا، وَ سُبُوحِ (١) آلاءِ (٢) أسدائها (٣)، وَ تَمَامِ مَنَنِ (٤) وَالآهَا!

جَمِّ (٥) عَنِ الْإِحْصَاءِ عَمِدُهَا، وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمِيدُهَا، وَ تَفَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَيْدُهَا وَ نَدَبُهُمْ (٦)، لِاسْتِرَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَ اسْتِحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَ ثَنَّى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا.

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي الْفِكْرِ مَعْقُولَهَا.

ص: ١٠

١-٣. وسیع و فراخ در محاورات فصیح می گویند: «ذرع سابع»؛ زره رسا، نه دراز و نه کوتاه.

٢-٤. جمع «الی» نعمت.

٣-٥. اسداء» عطا، بخشیدن.

٤-٦. جمع «منت»، نعمت های گران قدر.

٥-٧. زیاد.

٦-٨. ندب» دعوت نمودن.

خدا را بر نعمت هایش سپاس می گویم، و بر توفیقاتش شکر می کنم، و بر مواهبی که ارزانی داشته، ثنا می خوانم.

بر نعمت های گسترده ای که از آغاز به ما داده.

و بر مواهب بی حسابی که به ما احسان فرموده.

و بر عطایای پی در پی که همواره ما را مشمول آن ساخته. نعمت هایی که از شماره و احصاء بیرون است.

و به خاطر گستردگی در بستر زمان هرگز قابل جبران نیست.

و انتهای آن از ادراک انسان ها خارج است.

بندگان را برای افزایش و استمرار این مواهب به شکر خویش فراخوانده.

و خلاقیت را برای تکمیل آن به ستایش خود دعوت نموده.

و آنان را برای به دست آوردن همانند آنها تشویق فرموده.

و من شهادت می دهم که معبودی جز خداوند یکتا نیست. بی مثال است، و شریک و مانند ندارد.

این سخنی است که روح آن اخلاص است، و قلوب مشتاقان با آن گره خورده، و آثار آن در افکار پرتوافکن شده.

الْمُتَّبِعِ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَيْتُهُ، وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ.

إِبْتِدَاعَ (۱) الْأَشْيَاءِ لَمْ مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِلَا احْتِدَاءٍ (۲) أَمْثَلَهُ امْتَثَلَهَا.

كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ، وَ ذَرَأَهَا (۳) بِمَشِيئَتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَ لَافَائِدِهِ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا إِلَّا تَشْيِئاً لِحُكْمَتِهِ، وَ تَنْبِيهاً عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَاراً لِقُدْرَتِهِ، وَ تَعْبُداً لِبَرِيَّتِهِ، وَ اعْزَازاً (۴) لِإِدْعَوْنِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ وَ حَيَاشَةٍ (۵) لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.

ص: ۱۲

۱- ۹. ابتداء» بدون مثال و نقشه قبلی، اختراع.

۲- ۱۰. پیروی کردن.

۳- ۱۱. از ماده «ذراً» آفرید.

۴- ۱۲. گرامی داشتن و ارجمند داشتن.

۵- ۱۳. اگر شکاری را به طرف کسی برانند می گویند: حُشْتُ عَلَيْهِ الصَّيْدَ: شکار را به سوی او راندم.

خدایی که رؤیتش با چشم ها غیر ممکن است، و بیان اوصافش با این زبان، محال، و درک ذات مقدسش برای عقل و اندیشه ها ممتنع است.

موجودات جهان هستی را ابداع فرمود، بی آنکه چیزی پیش از آن وجود داشته باشد.

و همه آنها را ایجاد کرد، بی آن که الگو و مثالی قبل از آن موجود باشد.

آنها را به قدرتش تکوین نمود، و به اراده اش خلق کرد، بی آن که به آفرینش آنها نیاز داشته باشد، یا فایده ای از صورت بندی آنها عاید ذات پاکش شود.

جز این که می خواست حکمتش را از این طریق آشکار سازد. مردم را به اطاعتش دعوت کند.

قدرت بی پایان خود را از این دریچه نشان دهد.

خلایق را به عبودیت خود رهنمون گردد.

و دعوت پیامبرانش را از طریق هماهنگی تکوین و تشریح قوت بخشد.

سپس برای اطاعتش پاداش ها مقرر فرموده، و برای معصیتش کیفرها.

تا بندگان را بدین وسیله از خشم و انتقام و عذاب خویش رهایی بخشد، و به سوی باغ های بهشت و کانون رحمتش سوق دهد.

ص: ۱۳

وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، إِخْتَارَهُ وَ اتَّجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أُرْسِلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ (١)، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ (٢)، إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ (٣)، وَ بَسْتَرِ الْأَهْوِيلِ (٤) مَصُونَةٌ (٥)، وَ بَيْنَهَايِهِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ.

عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ [بِمَالِ (٦)] الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ (٧)، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمُقْدُورِ.

إِبْتِعَاثُهُ اللَّهُ اِتِّمَامًا لِأَمْرِهِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَ إِنْفَازًا لِمَقَادِيرِ حَتْمِهِ.

فَرَأَى الْأُمَّمَ فُرْقًا (٨) فِي أَدْيَانِهَا، عُكْفًا (٩) عَلَى نِيرَانِهَا، [وَ] عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا (١٠)، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِزْفَانِهَا.

ص: ١٤

١- ١٤. او را آفرید.

٢- ١٥. او را مبعوث داشت.

٣- ١٦. مستور.

٤- ١٧. جمع «اهوال» حوادث ترس آور.

٥- ١٨. محفوظ.

٦- ١٩. جمع «مأل»، عاقبت و آخر کار.

٧- ٢٠. جمع «دهر» روزگاران دراز.

٨- ٢١. فرق: جمع فرقه، گروهها.

٩- ٢٢. جمع «عاکف»، ملازمان.

١٠- ٢٣. جمع «وثن»، بت ها.

و گواهی می‌دهم که پدرم محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست، پیش از آن که او را بفرستد، برگزید؛ و پیش از آن که او را بیافریند، برای این مقام نامزد فرمود؛ و قبل از بعثتش او را انتخاب نمود.

در آن روز که بندگان در عالم غیب پنهان بودند، و در پشت پرده های هول انگیز نیستی پوشیده و به آخرین سرحدّ عدم مقرون بودند.

این به خاطر آن صورت گرفت که خداوند از آینده آگاه بود، و به حوادث جهان احاطه داشت، و مقدرات را به خوبی می‌دانست.

او را مبعوث کرد تا فرمانش را تکمیل کند، و حکمش را اجرا نماید، و مقدرات حتمی اش را نفوذ بخشد.

هنگامی که مبعوث شد، امت ها را مشاهده کرد که مذاهب پراکنده ای را برگزیده اند؛ گروهی برگرد آتش طواف می‌کنند، و گروهی در برابر بت ها سر تعظیم فرود آورده اند، و با این که با قلب خود خدا را شناخته اند، او را انکار می‌کنند.

ص: ۱۵

فَأَنَارَ اللَّهُ بِمُحَمَّدٍ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] ظُلْمَهَا، وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا (١)، وَجَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَّهَا. (٢)

وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، وَ أَنْتَعَدَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ (٣)، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ (٤)، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ.

ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارٍ، وَ رَغْبَةٍ وَ إِيْتَارٍ، فَمُحَمَّدٌ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ] عَنْ [مَنْ تَعَبَ هَيْدِهِ الدَّارِ فِي رَاحِهِ، قَدْ حُفَّ (٥) بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ، وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، وَ مُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ.

صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي، نَبِيِّهِ وَ أَمِينِهِ عَلَى الْوَحْيِ وَ صَفِيِّهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ رَضِيِّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

ص: ١٦

١- ٢٤. جمع «بهمه» مسائل مشکل و پیچیده و حیرت زا.

٢- ٢٥. تحیر و راه نیافتن.

٣- ٢٦. گمراهی، ضد رشد.

٤- ٢٧. کوری و گمراهی.

٥- ٢٨. فراگرفته شد.

خداوند به نور محمد صلی الله علیه و آله ظلمت ها را برچید، و پرده های ظلمت را از دل ها کنار زد، و ابرهای تیره و تار را از مقابل چشم ها برطرف ساخت.

او برای هدایت مردم قیام کرد، و آنها را از گمراهی و غوایت رهایی بخشید، و چشم هایشان را بینا ساخت، و به آئین محکم و پا برجای اسلام رهنمون گشت، و آنها را به راه راست دعوت فرمود.

سپس خداوند او را با نهایت محبت و اختیار خود و از روی رغبت و ایثار قبض روح کرد، سرانجام او از رنج این جهان آسوده شد و هم اکنون در میان فرشتگان، و خشنودی پروردگار غفار و در جوار قرب خداوند جبار قرار دارد.

درود خدا بر پدرم پیامبر صلی الله علیه و آله امین وحی، و برگزیده او از میان خلایق باد، و سلام بر او و رحمت خدا و برکاتش.

ثُمَّ التَّفَتَيْتُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ وَقَالَتْ: أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ نُصِيبُ أَمْرَهُ وَنَهْيَهُ، وَحَمَلَهُ دِينَهُ وَوَحْيَهُ، وَآمَنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَبَلَاغُوهُ (١) إِلَى الْأُمَّمِ.

وَرَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ فِيكُمْ، وَعَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ.

وَبَقِيَّتُهُ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ: كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَالنُّورُ السَّاطِعُ، (٢) وَالضِّيَاءُ اللَّامِعُ، (٣) بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفُهُ سَرَائِرُهُ، مُتَجَلِّئُهُ ظَوَاهِرُهُ، مُغْتَبِطُهُ (٤) بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ إِتْبَاعُهُ، مُؤَدِّ (٥) إِلَى النَّجَاهِ اسْتِمَاعُهُ.

ص: ١٨

١- ٢٩. جمع «بليغ»، رسانندگان پیام یا خبر.

٢- ٣٠. نور ساطع» نور برآمده همراه با درخشندگی است.

٣- ٣١. اسم فاعل از «لمعان» روشن شدن و درخشیدن.

٤- ٣٢. آرزو بردن به حال کسی بدون آن که زوال آن را از وی بخواهد، در مقابل حسد که زوال آن را آرزو می کند.

٥- ٣٣. ایصال، رساندن.

سپس رو به اهل مجلس کرد و مسؤولیت سنگین مهاجران و انصار را برشمرد و فرمود:

شما ای بندگان خدا! مسؤولان امر و نهی پروردگار و حاملان دین و وحی او هستید، و نمایندگان خدا بر خویشتن، و مبلغان او به سوی امت ها می باشید.

پاسدار حق الهی در میان شما، و حافظ پیمان خداوند که در دسترس همه شماست و آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از خود در میان امت به یادگار گذارده کتاب الله ناطق، و قرآن صادق و نور آشکار و روشنایی پرفروغ اوست.

کتابی که دلایلش روشن، باطنش آشکار، ظواهرش پر نور، و پیروانش پرافتخار.

کتابی که عاملان خود را به بهشت فرا می خواند، و مستمعینش را به ساحل نجات رهبری می کند.

ص: ۱۹

بِهِ تَنَالُ حُجَّجَ اللَّهِ الْمُؤَوَّرَهُ، وَ عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَهُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَهُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَهُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَهُ، وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبِيَهُ، وَ رُخْصَتُهُ الْمُؤَهَّوْبِيَهُ، وَ شَرَائِعُهُ [شَرَائِعُهُ] الْمَكْتُوبِيَهُ.

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيْرًا لَكُمْ مِنَ الشُّرُكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيْهًا لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَرْكِيْبَةً لِلنَّفْسِ، وَ نَمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيْتًا لِلْإِحْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيْدًا لِلدِّيْنِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيْقًا (١) لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمَلَّةِ، وَ أَمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ [لِلْفُرْقَةِ]، وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُوْنَةً عَلَى اسْتِيْجَابِ الْأَجْرِ، وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ.

ص: ٢٠

١- ٣٤. نظم و ترتيب دادن.

از طریق آن به دلایل روشن الهی می توان نایل گشت، و تفسیر واجبات او را دریافت، و شرح محرّمات را در آن خواند، و براهین روشن و کافی را بررسی کرد، و دستورات اخلاقی و آنچه مجاز و مشروع است در آن مکتوب یافت.

سپس افزود:

خداوند «ایمان» را سبب تطهیر شما از شرک قرار داده.

و «نماز» را وسیله پاکی از کبر و غرور. «زکات» را موجب تزکیه نفس و نمو روزی.

«روزه» را عامل تثبیت اخلاص.

«حج» را وسیله تقویت آئین اسلام.

«عدالت» را مایه هماهنگی دل ها.

«اطاعت» ما را باعث نظام ملت اسلام.

و «امامت» ما را امان از تفرقه و پراکندگی.

«جهاد» را موجب عزت اسلام.

«صبر و شکیبایی» را وسیله ای برای جلب پاداش حق.

«امر به معروف» را وسیله ای برای اصلاح توده های مردم.

ص: ۲۱

وَبِرِّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةِ مِنَ الشُّخْطِ، وَصِلَةِ الْأَرْحَامِ مَنْمَاهُ لِلْعَدَدِ، وَالْقِصَاصَ حَقْنًا (١) لِلدِّمَاءِ، وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِضًا لِلْمَغْفِرَةِ، وَتَوْفِيَةَ
الْمَكَائِيلِ وَالْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا لِلْبَخْسِ (٢)، وَالنَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا عَنِ الرَّجْسِ، وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ (٣) حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ
تَرْكَ السَّرِقَةِ إِجَابًا لِلْعَفَّةِ، وَحَرَمَ اللَّهُ الشُّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ.

فَ «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلا تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (٤)(٥)*، وَاطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ
مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ». (٦)*

ص: ٢٢

١- ٣٥. نگهداری و بازداشتن خون از ریختن.

٢- ٣٦. نقص و کم دادن.

٣- ٣٧. انداختن شیء.

٤- ٣٨. سوره آل عمران، آیه ١٠٢.

٥- ٣٩....

٦- ٤٠. سوره فاطر، آیه ٢٨.

«نیکی به پدر و مادر» را موجب پیشگیری از خشم خدا.

«صله رحم» را وسیله افزایش جمعیت و قدرت.

«قصاص» را وسیله حفظ نفوس.

«وفاء به نذر» را موجب آمرزش.

«جلوگیری از کم فروشی» را وسیله مبارزه با کمبودها.

«نهی از شراب خواری» را سبب پاکسازی از پلیدی ها.

«پرهیز از تهمت و نسبت های ناروا» را حجابی در برابر غضب پروردگار.

«ترک دزدی» را برای حفظ عفت نفس.

و «تحریم شرک» را برای اخلاص بندگی و ربوبیت حق. اکنون که چنین است تقوای الهی پیشه کنید، و «آن چنان که شایسته مقام اوست، از مخالفت فرمانش پرهیزید، و تلاش کنید که مسلمان از دنیا بروید».

خدا را در آنچه امر یا نهی فرموده، اطاعت کنید - و راه علم و آگاهی را پیش گیرید - چرا که:

«از میان بندگان خدا، تنها عالمان و آگاهان از او می ترسند و احساس مسؤولیت می کنند».

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! اْعَلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ، وَ أَبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَيْدَاءً، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا. (١)

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ (٢) حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ» (٣)*

فَإِنْ تَعَرَّوهُ تَعَرَّوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لِنِعْمِ الْمَغْرِبِيِّ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ. فَبَلَّغْ بِالرَّسَالَةِ صَادِعًا (٥) بِاللَّذَارِو، مَاثِلًا عَنِ مَدْرَجِهِ (٦) الْمَشْرِكِينَ، ضَارِبًا تَبَجُّهُمُ (٧)، آخِذًا بِأَكْظَامِهِمْ (٨)،

ص: ٢٤

١- ٤١. دوری و تجاوز از حق.

٢- ٤٢. آنچه موجب مشقت و دشواری شما باشد.

٣- ٤٣. سوره توبه: آیه ١٢٩.

٤- ٤٤. نسبت او را بررسی کنید.

٥- ٤٥. از «صدع» آشکار کردن، شکافتن، به جای آوردن فرمان.

٦- ٤٦. راه، محله، مرکز.

٧- ٤٧. وسط هر چیز و عمده آن، میان پشت و کتف.

٨- ٤٨. جمع «کظم»، گلو، دهان، راه تنفس.

سپس فرمود: ای مردم! بدانید من فاطمه ام! و پدرم محمد است، که صلوات و درود خدا بر او و خاندانش باد.

آنچه می گویم آغاز و انجامش یکی است - و هرگز ضدّ و نقیض در آن راه ندارد - و آنچه را می گویم غلط نمی گویم، و در اعمالم راه خطا نمی پویم.

«به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رؤف و مهربان است».

هرگاه نسب او را بجویید می بینید او پدر من بوده است، نه پدر زنان شما! و برادر پسر عموی من بوده است، نه برادر مردان شما! و چه پرافتخار است این نسب، درود خدا بر او و خاندانش باد!

آری او آمد و رسالت خویش را به خوبی انجام داد، و مردم را به روشنی انداز کرد، از طریقه مشرکان روی برتافت و برگردن هایشان کوبید، و گلویشان را فشرد - تا از شرک دست بردارند و در راه توحید گام بگذارند.

دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ.

يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ، وَيُنْكِتُ (١) الْهَوَامَ، حَتَّىٰ انْهَزَمَ (٢) الْجَمْعُ وَوَلَّوْا الدُّبُرَ (٣)، حَتَّىٰ تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صَيْبِهِ (٤)، وَأَسْفَرَ (٥) الْحَقُّ عَنْ مَخْضِهِ، وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَخَرَسَتْ شَقَاشِقُ (٦) الشَّيَاطِينِ، وَطَاحَ (٧) وَشَيْطُ (٨) النَّفَاقِ، وَانْحَلَّتْ عُقَدُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ، وَفُهِتُمْ (٩) بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ (١٠) مِنَ الْبَيْضِ (١١) الْخِمَاصِ. (١٢)

ص: ٢٦

١- ٤٩. از «نکت» به رو انداختن و به سر درافکندن را می گویند.

٢- ٥٠. انهزام» شکست خوردن.

٣- ٥١. پشت گرداندند، کنایه از شکست.

٤- ٥٢. شب صبح را شکافت.

٥- ٥٣. روشن شد.

٦- ٥٤. جمع «شقیقه» آنچه شتر مست از دهان بیرون کند، کنایه از سخنوری.

٧- ٥٥. هلاک شد.

٨- ٥٦. مردمان پست و فرومایه.

٩- ٥٧. به زبان آوردید.

١٠- ٥٨. مردم (کمتر از ده نفر).

١١- ٥٩. جمع «ابيض» سفید پوستان.

١٢- ٦٠. جمع «اخمص» گرسنگان.

او همواره با دلیل و برهان و اندرز سودمند مردم را به راه خدا دعوت می کرد.

بت ها را درهم می شکست، و مغزهای متکبران را می کوبید، تا جمع آنها متلاشی شد، و تاریکی ها برطرف گشت، صبح فرا رسید، و حق آشکار شد، نماینده دین به سخن درآمد، و زمزمه های شیاطین خاموش گشت.

افسر نفاق بر زمین فرو افتاد، گره های کفر و اختلاف گشوده شد، و شما زبان به کلمه اخلاص (لا اله الا الله) گشودید، در حالی که گروهی اندک و تُهیدست بیش نبودید!

ص: ۲۷

وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ، مُذَقَهُ (۱) الشَّارِبِ، وَ نُهْرَهُ (۲) الطَّامِعِ، وَ قَبَسَهُ (۳) الْعَجَلَانَ، وَ مَوَّطِئَ (۴) الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ (۵)، وَ تَقْتَاتُونَ (۶) الْوَرَقَ، أَذِلَّهُ خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ. فَانْقَذِكُمْ (۷) اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعِيدَ اللَّتْيَا وَ اللَّتْيَى، بَعْدَ أَنْ مِئَى (۸) بِبِهِمُ الرِّجَالِ وَ ذُؤْبَانَ الْعَرَبِ (۹) وَ مَرَدَهُ (۱۰) أَهْلَ الْكِتَابِ، كُلَّمَا أُوقِدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَّمَ (۱۱) قُرْآنُ (۱۲) لِلشَّيْطَانِ.

ص: ۲۸

-
- ۱- ۶۱. آب اندک.
 - ۲- ۶۲. فرصت.
 - ۳- ۶۳. شعله کوچک آتش.
 - ۴- ۶۴. لگد کوب.
 - ۵- ۶۵. گنداب، آب آمیخته با بول شتر.
 - ۶- ۶۶. از «قوت» به معنای غذا یعنی آذوقه خود قرار می دادید.
 - ۷- ۶۷. پوست بز دباغی نشده.
 - ۸- ۶۸. گرفتار شد.
 - ۹- ۶۹. سرکردگان عرب.
 - ۱۰- ۷۰. جمع «مارد» طغیان گران و سرکشان.
 - ۱۱- ۷۱. آشکار شد، «نجم» آشکار شدن و رویدن گیاه ها.
 - ۱۲- ۷۲. شاخ.

آری شما در آن روز بر لب پرتگاه آتش دوزخ قرار داشتید، و از کمی نفرات همچون جرعه ای برای شخص تشنه، و یا لقمه ای برای گرسنه، و یا شعله آتشی برای کسی که شتابان به دنبال آتش می رود، بودید، و زیر دست و پاها له می شدید!

در آن ایام آب نوشیدنی شما متعفن و گندیده بود، و خوراکتان برگ درختان! ذلیل و خوار بودید، و پیوسته از این می ترسیدید که دشمنان زورمند شما را بُربایند و ببلعند!

اما خداوند تبارک و تعالی شما را به برکت محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد بعد از آن همه ذلت و خواری و ناتوانی نجات بخشید، او با شجاعان درگیر شد، و با گرگ های عرب و سرکشان یهود و نصاری پنجه درافکند، ولی هر زمان آتش جنگ را برافروختند خدا آن را خاموش کرد.

و هرگاه شاخ شیطان نمایان می گشت

أَوْ فَعَرَتْ (١) فَاعِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَذَفَ (٢) أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَمَّا يَنْكَفِي (٣) حَيْثُ يَطَأُ (٤) صَمَاحَهَا بِأَخْمَصِهِ (٥)، وَ يُخِمِدَ (٦) لَهَبَهَا (٧) بِسَيْفِهِ، مَكْدُوداً (٨) فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشْمِراً (٩) نَاصِحاً، مُجِدِّداً كَادِحاً (١٠) وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيهِ مِنَ الْعَيْشِ، وَادْعُونَ (١١) فَكِهِونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ (١٢) بِنَا الدَّوَابِّ (١٣) وَتَتَوَكَّفُونَ (١٤) الْأَخْبَارَ، وَ تَنْكُصُونَ (١٥) عِنْدَ النَّزَالِ (١٦)، وَ تَفِرُّونَ عِنْدَ الْقِتَالِ.

ص: ٣٠

- ١- ٧٣. گشوده شد «فغرت فاغره»: دهانی گشوده شد.
- ٢- ٧٤. فعل ماضی از قذف: انداخت.
- ٣- ٧٥. بر نمی گشت، دست بردار نبود.
- ٤- ٧٦. مضارع از مصدر «وطى ء» لگد کوب می کرد.
- ٥- ٧٧. فرورفتگی کف پا.
- ٦- ٧٨. إخماد»: خاموش کردن.
- ٧- ٧٩. شعله آتش.
- ٨- ٨٠. رنج پذیر، رنج بر.
- ٩- ٨١. اسم فاعل «شمر» أزاره عن ساقه: بالا زد پیراهن خود را از ساق پا.
- ١٠- ٨٢. رنج بر، زحمت کش
- ١١- ٨٣. جمع «وادع» آسوده خیالان، تن آسایان.
- ١٢- ٨٤. انتظار می کشیدید.
- ١٣- ٨٥. جمع دایره، حوادث نامطلوب.
- ١٤- ٨٦. توقع داشتید.
- ١٥- ٨٧. از آن خیری که به طرف آن رفته بودید بر می گشتید.
- ١٦- ٨٨. رویارویی دو طرف در جنگ.

و فتنه‌های مشرکان دهان می‌گشود، پدرم برادرش علی علیه السلام را در کام آنها می‌افکند، و آنها را به وسیله او سرکوب می‌نمود، و او هرگز از این مأموریت‌های خطرناک باز نمی‌گشت مگر زمانی که سرهای دشمنان را پایمال می‌کرد و بینی آنها را به خاک می‌مالید!

[او (علی علیه السلام) در راه خشنودی خدا متحمل رنج و سختی گردید، و در راه انجام دستورات الهی تلاش می‌نمود و به رسول خدا صلی الله علیه و اله نزدیک و سید و سالار اولیای خدا بود. او همیشه آماده (فعالیت) و خیرخواه مردم بود و با جدّیت و زحمت تلاش می‌نمود و این در حالی بود که شما در رفاه و خوشگذرانی، آسایش، نعمت و امنیت به سر می‌بردید و انتظار می‌کشیدید که برای ما (اهل بیت علیهم السلام) حوادث ناگوار پیش آید و توقع شنیدن اخبار (بد درباره ما) داشتید و هنگام جنگ عقب نشینی می‌کردید. و از نبرد فرار می‌کردید.]

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَارَ أُنْبِيَائِهِ، وَ مَأْوَى أَصْرِيَائِهِ، ظَهَرَتْ فِيكُمْ حَسَبِيَّكُهُ (١) النِّفَاقِ، وَ سَمَلُ (٢) جِلْبَابُ (٣) الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ (٤) الْغَاوِينَ (٥)، وَ نَبَغَ (٦) خَامِلُ (٧) الْأَقْلِينَ، وَ هَدَرَ فَنِيْقُ (٨) الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ (٩) فِي عَرَصَاتِكُمْ (١٠)، وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانَ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ (١١) هَاتِفًا بِكُمْ، فَالْفَاكُمُ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرِّهِ (١٢) فِيهِ مُمْلَاحِطِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَ اِحْمَشَكُمْ فَالْفَاكُمُ غَضَابًا،

ص: ٣٢

-
- ١- ٨٩. خار، كينه و عدوات در دل.
 - ٢- ٩٠. پوشیده شد.
 - ٣- ٩١. روپوش.
 - ٤- ٩٢. ساكت، خاموش.
 - ٥- ٩٣. گمراهان، «كاظم الغاوين» گمراهان خاموش.
 - ٦- ٩٤. ظاهر شد.
 - ٧- ٩٥. ساقط، زبون، گمنام.
 - ٨- ٩٦. رئيس ارجمند.
 - ٩- ٩٧. خطر، دم جنبانیدن حيوان و به راست و چپ زدن آن.
 - ١٠- ٩٨. ساحت ها.
 - ١١- ٩٩. جای خزیدن.
 - ١٢- ١٠٠. خدعه.

اُمّیا هنگامی که خداوند سرای پیامبران را برای پیامبرش برگزید، و جایگاه برگزیدگانش را منزلگاه او ساخت، ناگهان کینه های درونی و آثار نفاق در میان شما ظاهر گشت، و پرده دین کنار رفت، گمراهان به صدا در آمدند و گمنامان فراموش شده سر بلند کردند، نعره های باطل برخاست و در صحنه اجتماع شما به حرکت درآمدند.

شیطان سرش را از مخفیگاه خود بیرون کرد و شما را به سوی خود دعوت نمود، و شما را آماده پذیرش دعوتش یافت و منتظر فرییش!

سپس شما را دعوت به قیام کرد و سبکبار برای حرکت یافت! شعله های خشم و انتقام را در دل های شما برافروخت و آثار غضب در شما نمایان گشت.

ص: ۳۳

فَوَسَّئْتُمْ (۱) غَيْرِ اِبْلِكُمْ، وَ اُورِدْتُمْ غَيْرَ شَرِّ رِبِكُمْ، هَذَا وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلْمُ (۲) رَحِيبٌ (۳)، وَ الْجُرْحُ (۴) لَمَّا يَنْدَمِلُ (۵)، وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ.

اِبْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ «ألا- فِي الْفِتْنَةِ سَيَقُطُّوا وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (۶)*، فَهَيَّهَاتَ مِنْكُمْ! وَ كَيْفَ بِكُمْ؟ وَ اَنَّى تُوفَّكُونَ؟ وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ اَظْهَرِكُمْ، اُمُورُهُ زَاهِرَةٌ [ظَاهِرَةٌ (۷)]، وَ اَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ (۸)، وَ زَوَاجِرُهُ لَانِحَةٌ، وَ اَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، اِرْغَبْهُ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ اَمْ بَغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بِنَسِّ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا.

«وَ مَنْ يَتَّبِعْ (۹) غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِينَ» (۱۰)*

ص: ۳۴

۱- ۱۰۱. از «وسم» اثر داغ کردن حیوان با آتش.

۲- ۱۰۲. جراحت و زخم.

۳- ۱۰۳. وسیع، گشاد.

۴- ۱۰۴. زخم.

۵- ۱۰۵. جراحت، هنوز بهبودی نیافته.

۶- ۱۰۶. سوره توبه: آیه ۴۹.

۷- ۱۰۷. از «زهر» درخشان، فروزان.

۸- ۱۰۸. نور چهره و غالب.

۹- ۱۰۹. طلب کند.

۱۰- ۱۱۰. سوره آل عمران: آیه ۸۵.

و همین امر سبب شد بر غیر شتر خود علامت نهید، و در غیر آبشخور خود وارد شوید، - و به سراغ چیزی رفتید که از آن شما نبود و در آن حقی نداشتید و سرانجام به غضب حکومت پرداختید.

در حالی که هنوز چیزی از رحلت پیامبر نگذشته بود، زخم های مصیبت ما وسیع و جراحات قلبی ما التیام نیافته، و حتی هنوز پیامبر صلی الله علیه و آله به خاک سپرده نشده بود.

بهبانه شما این بود که «می ترسیم فتنه ای برپا شود!»، و چه فتنه ای از این بالاتر که در آن افتادید؟ و همانا دوزخ به کافران احاطه دارد.

چه دور است این کارها از شما! راستی چه می کنید؟ و به کجا می روید؟

با این که کتاب خدا - قرآن - در میان شماست، همه چیزش پرنور، نشانه هایش درخشنده، نواهی اش آشکار، اوامرش واضح، اما شما آن را پشت سرافکندید!

آیا از آن روی برتافته اید؟ یا به غیر آن حکم می کنید؟ آه که ستمکاران جانشین بدی را برای قرآن برگزیدند.

«و هر کس آئینی غیر از اسلام را انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است.»

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا (۱) إِلَّا رَيْثَ [إِلَى رَيْثٍ أَنْ تَسِيكَنَّ نَفْرَتَيْهَا، وَ يَسِيلَسَ (۲) قِيَادُهَا (۳)، ثُمَّ أَخَذْتُمْ ثُورُونَ (۴) وَقَدَّتْهَا (۵) وَ تَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا (۶)، وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَ إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَ إِحْمَادِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ،

تَسِيرُونَ حَسَوًا فِي ارْتِعَاءٍ، وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ فِي الْخَمْرِ وَ الضَّرَاءِ، وَ نَصَبِ بَرٍّ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزْرِ (۷) الْمُدَى (۱۱۸)، وَ وَخْزِ (۸) السِّنَانِ فِي الْحَشَا.

وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَلَا إِرْثَ لَنَا؟

ص: ۳۶

-
- ۱- ۱۱۱. درنگ نکردید، از «لبث» درنگ نمودن.
 - ۲- ۱۱۲. آسان شود.
 - ۳- ۱۱۳. ریسمانی که با آن حیوانی را بکشند.
 - ۴- ۱۱۴. آتش جنگ را روشن کردید.
 - ۵- ۱۱۵. بر وزن «تمره» شعله.
 - ۶- ۱۱۶. قطعه شعله ور شده از آتش.
 - ۷- ۱۱۷. بریدن.
 - ۸- ۱۱۹. با تیر و نیزه زدن اما نه به قدری که بشکافد.

آری، شما ناقه خلافت را در اختیار گرفتید، حتی این اندازه صبر نکردید که رام گردد، و تسلیمتان شود، ناگهان آتش فتنه ها را برافروختید، و شعله های آن را به هیجان درآوردید و ندای شیطان اغواگر را اجابت نمودید، و به خاموش ساختن انوار تابان آئین حق و از میان بردن سنت های پیامبر پاک الهی پرداختید.

به بهانه گرفتن کف - از روی شیر - آن را به کلی تا ته مخفیانه نوشیدید.

ظاهراً سنگ دیگران را به سینه می زدید اما باطناً در تقویت کار خود بودید. برای منزوی ساختن خاندان و فرزندان او به کمین نشستید، ما نیز چاره ای جز شکیبایی ندیدیم، همچون کسی که خنجر بر گلوی او و نوک نیزه بر دل او نشسته باشد! عجب این که شما چنین می پندارید که خداوند ارثی برای ما قرار نداده و ما از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ارث نمی بریم!

ص: ۳۷

أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ؟ «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقِسْمٍ يُوقِنُونَ» (١) * أفلما تَعْلَمُونَ؟ بَلَى تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ أَنِّي
أَبْنَتْهُ.

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ أَغْلَبَ عَلَى إِرْثِيهِ؟ يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ لَا أَرِثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا (٢).

أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِذْ يَقُولُ: «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» * (٣) (٤)

وَ قَالَ فِيمَا أَقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» * (٥) (٦)، وَ قَالَ: «وَ أُولُوا
الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» * (٧) (٨)

وَ قَالَ: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» * (٩)

ص: ٣٨

١- ١٢٠. سورة مائده: آيه ٥٠.

٢- ١٢١. تهمت بزرگ و عجيب.

٣- ١٢٢. سورة نمل: آيه ١٦.

٤- ١٢٣....

٥- ١٢٤. سورة مريم: آيه ٥ و ٦.

٦- ١٢٥....

٧- ١٢٦. سورة انفال: آيه ٧٥

٨- ١٢٧....

٩- ١٢٨. سورة نساء: آيه ١١.

آیا از حکم جاهلیت پیروی می کنید؟ «چه کسی حکمش از خدا بهتر است برای آنها که اهل یقینند؟»

آیا شما این مسایل را نمی دانید؟ آری می دانید، و همچون آفتاب برای شما روشن است که من دختر اویم.

شما ای مسلمانان! آیا باید ارث من به زور گرفته شود؟

ای فرزند ابی قحافه! به من پاسخ ده! آیا در قرآن است که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارثی نبرم؟ چه سخن ناروایی!

آیا عمداً کتاب خدا را ترک گفتید و پشت سر افکندید؟ در حالی که می فرماید: «و سلیمان وارث داود شد».

و در داستان یحیی بن زکریا می گوید: «(خداوند!) تو از نزد خود جانشینی به من ببخش که وارث من و دودمان یعقوب باشد».

و نیز می فرماید: «و خویشاوندان نسبت به یکدیگر در احکامی که خدا مقرر داشته (از دیگران) سزاوارترند».

و نیز می گوید: «خداوند درباره فرزندانان به شما سفارش می کند که سهم (میراث) پسر به اندازه سهم دو دختر باشد».

وَقَالَ: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (١)*

وَزَعَمْتُمْ أَلَّا حَظُّوهُ (٢) لِي وَ لِمَا ارِثُ مِنْ أَبِي؟ وَ لِمَا رَحِمَ بَيْنَنَا؟ أَفَخَصَّكُمْ اللَّهُ بِأَيِّهِ أَخْرَجَ مِنْهَا أَبِي؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَمْ يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟

ص: ٤٠

١- ١٢٩. سورة بقره: آيه ١٨٠.

٢- ١٣٠. محبوبيت و منزلت.

و نیز فرموده: «اگر کسی مالی از خود بگذارد) برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته وصیت کند، این حقی است بر پرهیزکاران».

شما چنین پنداشتید که من هیچ بهره و ارثی از پدرم ندارم؟ و هیچ نسبت و خویشاوندی در میان ما نیست؟!؟

آیا خداوند آیه ای مخصوص شما نازل کرده است که پدرم را از آن خارج ساخته؟

یا می گوئید: پیروان دو مذهب از یکدیگر ارث نمی برند، و من با پدرم یک مذهب نداریم؟

یا این که شما به عام و خاص قرآن از پدرم و پسر عمویم آگاه ترید؟

ص: ۴۱

فَدُونَكهَا (۱) مَخْطُومَةً (۲) مَرْحُورَةً (۳)، تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ، فَنِعْمَ الْحَكْمُ لِلَّهِ، وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْمَوْعِدُ الْقَيِّامَةُ، وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ، «وَلِكُلِّ نَبَالٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ»*(۴)(۵) «مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ»*(۶)

ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا (۷) نَحْوَ الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ:

يَا مَعْشَرَ الْفِتْيَةِ (النَّبِيِّهِ (۸)) وَ أَعْضَادَ (۹) الْمَلَّةِ، وَ حَضَنَةَ (۱۰) الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ (۱۱) فِي حَقِّي؟ وَ السِّنُّ عَنْ ظُلَامَتِي؟

ص: ۴۲

-
- ۱- ۱۳۱. اسم فعل به معنای امر، بگير مرکب و شتر خلافت را.
 - ۲- ۱۳۲. مهار شد.
 - ۳- ۱۳۳. افسار زده و جُل شده (آماده).
 - ۴- ۱۳۴. سوره انعام: آیه ۶۷.
 - ۵- ۱۳۵....
 - ۶- ۱۳۶. سوره هود: آیه ۳۹.
 - ۷- ۱۳۷. چشم یا نگاه.
 - ۸- ۱۳۸. از «نقب» شاهد قوم که گفته او مورد قبول طایفه خود باشد، چهره های با نفوذ و شناخته شده.
 - ۹- ۱۳۹. جمع عضد، نصرت و بازو.
 - ۱۰- ۱۴۰. جمع «حاضن» حافظ و نگه دارنده.
 - ۱۱- ۱۴۱. سستی در عمل و نادانی در عقل.

حال که چنین است پس بگیر آن - ارث مرا - که همچون مرکب آماده و مهار شده آماده بهره برداری است و بر آن سوار شو.

ولی بدان در قیامت تو را دیدار می کند و بازخواست می نمایم و در آن روز چه جالب است که داور خداست، و مدعی تو محمد صلی الله علیه و آله، و موعد داوری، رستاخیز، و در آن روز باطلان زیان خواهند دید، اما پشیمانی به حال شما سودی نخواهد داشت! بدانید: «هر چیزی - که خداوند به شما داده سرانجام - قرارگاهی دارد - و در موعد خود انجام می گیرد - و به زودی خواهید دانست» «به زودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوار کننده به سراغش خواهد آمد و مجازات جاودان بر او وارد خواهد شد!»

سپس بانوی اسلام گروه انصار را مخاطب ساخته و با آهنگی رسا و محکم و کوبنده ادامه سخن داد و چنین فرمود: ای جوانمردان! و ای بازوان توانمند ملت و یاران اسلام این نادیده گرفتن حق مسلم من از سوی شما چیست؟ این چه تغافل است که در برابر ستمی که بر من وارد شده نشان می دهید؟!

أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبِي يَقُولُ: «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ»؟

سَرَعَانَ (١) مَا أَخَذْتُمْ، وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالِهِ (٢)، وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ وَ قُوَّةٌ عَلَيَّ مَا أَطْلُبُ وَ أَزَاوِلُ.

أَتَقُولُونَ مَيَاتَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ فَحَظُّبُ (٣) جَلِيلٌ اسْتَوْسَعَ (٤) وَهْنُهُ (٥)، وَ اسْتِنَهَرَ فَتَقَهُ (٦)، وَ انْفَتَقَ رَتْقَهُ، وَ اظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ، وَ كُسِفَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَ أَكَدَتِ الْأَمَالُ (٧)، وَ خَشَعَتِ الْجِبَالُ، وَ أُضِيعَ الْحَرِيمُ، وَ أُزِيلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ.

ص: ٤٤

١- ١٤٢. اسم فعل به معنای «سرع» و «عجل» یعنی چه با سرعت و با شتاب.

٢- ١٤٣. پی و مانند آن است که ذوب شود.

٣- ١٤٤. امر عظیم.

٤- ١٤٥. از «وسعت»، گشاد شد.

٥- ١٤٦. لباسی که پوسیده و پاره شده باشد.

٦- ١٤٧. شکاف.

٧- ١٤٨. خیرش تمام و منقطع شده.

آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله پدرم نمی فرمود: احترام هر کس را در مورد فرزندان او باید نگاه داشت؟ چه زود اوضاع را دگرگون ساختید، و چه با سرعت به بیراهه گام نهادید، با این که توانایی بر احقاق حق من دارید، و نیروی کافی بر آنچه می گویم در اختیار شماست.

آیا می گوید: محمد صلی الله علیه و آله از دنیا رفت - و با مُردن او همه چیز تمام شد، و خاندان او باید به دست فراموشی سپرده شوند و سنتش پایمال گردد؟ - .

آری مرگ او مصیبت و ضربه دردناکی بر جهان اسلام بود. فاجعه سنگینی است که بر همه غبار غم فروریخت، و شکافش هر روز آشکارتر، و گسستگی آن دامنه دارتر، و وسعتش فزون تر می گردد، زمین از غیبت او تاریک، و ستارگان برای مصیبتش بی فروغ و امیدها به یاس مبدل گشت، کوه ها متزلزل گردید احترام افراد پایمال شد و با مرگ او حرمتی باقی نماند!

ص: ۴۵

فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَالْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى

لَامِثُهَا نَازِلَةٌ، وَلَا بَاقِيَةَ (١) عَاجِلُهُ، أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْتِيَّتِكُمْ وَفِي مُمَسَاكِمِ وَمُصِيبَاتِكُمْ، هَتَافًا (٢) وَصُرَاخًا (٣)، وَ تِلَاوَةً وَالْحَنَانًا، وَلَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ حُكْمٌ فَضْلٌ، وَقَضَاءٌ حَتْمٌ.

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» * (٤)

ص: ٤٦

١- ١٤٩. شرو بلا.

٢- ١٥٠. آواز بلند.

٣- ١٥١. صدای بلند.

٤- ١٥٢. سوره آل عمران : آیه ١٤٤.

به خدا سوگند این حادثه ای است عظیم و مصیبتی است بزرگ و ضایعه ای است جبران ناپذیر.

ولی فراموش نکنید اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفت قرآن مجید قبلاً از آن خبر داده بود، همان قرآنی که پیوسته در خانه های شماست، و صبح و شام با صدای بلند و فریاد و - یا - آهسته و با الحان مختلف در گوش ما خوانده می شود، پیامبران پیشین نیز قبل از او با این واقعیت روبرو شده بودند چرا که مرگ فرمان تخلف ناپذیر الهی است.

آری قرآن صریحاً گفته بود: «محمد صلی الله علیه و آله فقط فرستاده خداست، و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند، آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود شما به عقب برمی گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هرکس به عقب بازگردد هرگز به خداوند ضرری نمی زند و خداوند به زودی شاگردان (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد».

ص: ۴۷

إِيَّاهُ (۱) بَنَى قَيْلَهُ! أَهْضَمَ (۲) تُرَاثَ أَبِي وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مَنِي وَ مَسْمَعٍ، وَ مُنْتَدَى (۳) وَ مَجْمَعٍ؟

تَلْبَسِيكُمْ الدَّعْوَةَ وَ تَشْمَلُكُمْ الْخُبْرَةَ وَ أَنْتُمْ ذَوُو الْعَيْدِ وَ الْعِيْدِ، وَ الْمَادَاهِ وَ الْقُوَّةِ، وَ عِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَ الْجَنَّةُ، تُؤَافِيكُمْ الدَّعْوَةَ فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُعِينُونَ [تُعِينُونَ]، وَ أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ (۴)، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ النُّخْبَةُ الَّتِي انْتَخَبْتُ، وَ الْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرْتُ.

فَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحْمَلْتُمُ الْكُدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الْأَمَمَ، وَ كَافَحْتُمُ الْبَهْمَ (۵)، لَا نَبْرُحُ أَوْ تَبْرُحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمُرُونَ،

ص: ۴۸

۱- ۱۵۳. اسم فعل به معنی امر، به کسی که ادامه گفتار و یا عملی را از کسی دیگر بخواهد «ایه» گفته می شود.

۲- ۱۵۴. از «هضم» شکستن، ظلم کردن، بازداشتن، نقص.

۳- ۱۵۵. مجلس و محل مشورت.

۴- ۱۵۶. بدون زره و سپر به استقبال دشمن رفتن.

۵- ۱۵۷. جمع «بهمه» مجهولی که شناخته نشود، قهرمان.

عجبا! «ای فرزندان قیله» (قیله زن با شخصیت و شرافتمندی است بود که نسب قبایل انصار به او منتهی می گردد) آیا ارث من باید پایمال گردد و شما آشکارا می بینید و می شنوید، و در جلسات و مجمع شما این معنی گفته می شود و اخبارش به خوبی به شما می رسد و باز هم خاموش نشسته اید؟ با این که دارای نفرات کافی و تجهیزات و نیروی وسیع و سلاح و سپر هستید، دعوت مرا می شنوید و لیک نمی گویند؟ و فریاد من در میان شما طنین افکن است و به فریاد نمی رسید؟ با اینکه شما در شجاعت زبانزد می باشید و در خیر و صلاح معروفید، و شما برگزیدگان اقوام و قبایل هستید.

با مشرکان عرب پیکار کردید و رنج ها و محنت ها را تحمل نمودید، شاخ های گردنکشان را در هم شکستید، و با جنگجویان بزرگ دست و پنجه نرم کردید، و شما بودید که پیوسته با ما حرکت می کردید، و در خط ما قرار داشتید، دستورات ما را گردن می نهادید و سر بر فرمان ما داشتید،

حَتَّىٰ إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَىٰ الْإِسْلَامِ، وَ دَرَّ (١) حَلْبُ (٢) الْأَيَّامِ، وَ خَضَعَتْ نَعْرَهُ (٣) الشَّرِكِ ، وَ سَكَتَتْ فَوْرَهُ (٤) الْإِفْكِ، وَ خَمَدَتْ (٥) نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَ هَدَأَتْ (٦) دَعْوَةَ الْهَرَجِ (٧)، وَ اسْتَوْتَقَ (٨) اسْتَوْتَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَنَّى حِزْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ؟ وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ؟ وَ نَكَضْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ؟ وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ؟

«الَّا- تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكُتُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمَا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هِيْمَ يَدُؤُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»*(٩).

ص: ٥٠

١- ١٥٨. جریان و کثرت.

٢- ١٥٩. شیر دوشیده شده.

٣- ١٦٠. در این جا خضوع گردنکشان.

٤- ١٦١. هیجان.

٥- ١٦٢. شعله های آتش فرو نشست.

٦- ١٦٣. آرامش پیدا کرد.

٧- ١٦٤. فتنه.

٨- ١٦٥. نظم یافت.

٩- ١٦٦. سوره توبه: آیه ١٣.

تا آسیای اسلام بر محور وجود خاندان ما به گردش درآمد، و شیر در پستان مادر روزگار فزونی گرفت، نعره های شرک در گلوها خفه شد و شعله های دروغ فرو نشست، آتش کفر خاموش گشت، و دعوت به پراکندگی متوقف شد و نظام دین محکم گشت.

پس چرا بعد از آن همه بیانات قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله امروز حیران مانده اید؟ چرا حقایق را بعد از آشکار شدن مکتوم می دارید و پیمان های خود را شکسته اید، و بعد از ایمان راه شرک پیش گرفته اید؟

«آیا با گروهی که پیمان های خود را شکستند و تصمیم به اخراج پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته اند پیکار نمی کنید؟ در حالی که آنها نخستین بار (پیکار با شما را) آغاز کردند، آیا از آنها می ترسید؟ با این که خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید.»

ص: ۵۱

أَلَا قَدْ أَرَىٰ أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ (١)، وَ أَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ، قَدْ خَلَوْتُمْ بِالِدَّعَةِ (٢) وَ نَجَوْتُمْ مِنَ الضِّيقِ بِالسَّعَةِ، فَمَجَّجْتُمْ (٣) مَا وَعَيْتُمْ، وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ (٤)

فَ «إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ» * (٥)

أَلَا وَ قَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ عَلَى مَعْرِفِهِ مِنِّي بِالْخَذَلِهِ الَّتِي حَامَرْتَكُمْ وَ الْعُدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ، وَ لَكِنَّهَا فَيَضُهُ النَّفْسِ، وَ نَفْثُهُ (٦) الْغَيْضِ [الْغَيْظِ]، وَ حَوْرُ (٧) الْقَنَاةِ (٨) وَ بَنَّهُ (٩) الصِّدْرِ، وَ تَقْدِمُهُ الْحُجْبَةِ.

ص: ٥٢

١- ١٦٧. آسایش زندگی.

٢- ١٦٨. راحت و آرامش.

٣- ١٦٩. مَجَّجَ رِيختن.

٤- ١٧٠. از «ساغ الشراب» به سهولت و آسانی نوشیدید.

٥- ١٧١. سوره ابراهیم: آیه ٨.

٦- ١٧٢. نفثه المصدور: آه کشیدن از درد سینه.

٧- ١٧٣. ضعف و سستی.

٨- ١٧٤. نیزه.

٩- ١٧٥. نشر و اظهار، غمی که انسان توانایی کتمان آن را ندارد و اظهار می کند.

آگاه باشید من چنین می بینم که شما رو به راحتی گذارده اید، و عافیت طلب شده اید، کسی را که از همه برای زعامت و اداره امور مسلمین شایسته تر بود دور ساختید، و به تن پروری و آسایش در گوشه خلوت تن دادید، و از فشار و تنگنای مسؤولیت ها به وسعت بی تفاوتی روی آوردید.

آری آنچه را از ایمان و آگاهی در درون داشتید بیرون افکندید، و آب گوارایی را که نوشیده بودید به سختی از گلو بر آوردید! اما فراموش نکنید خداوند می فرماید: «اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید (به خدا زیانی نمی رسد، چرا که) خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است».

بدانید و آگاه باشید من آنچه را باید بگویم، گفتم، با این که به خوبی می دانم ترک یاری حق با گوشت و پوست شما آمیخته، و عهدشکنی قلب شما را فرا گرفته است ولی چون قلبم از اندوه پُر بود - و احساس مسؤولیت شدیدی می کردم - کمی از غم های درونی ام بیرون ریخت، و اندوهی که در سینه ام موج می زد خارج شد، تا با شما اتمام حجت کنم و عذری برای احدی باقی نماند.

فَدُونَكُمْ مَوَّاهَا فَاحْتَقِبْهَا (۱) ذُبْرَةَ (۲) الظُّهْرِ، نَقِيْبَهُ [نَقْبَهُ (۳)] الخَفِ، باقِيَهُ العَارِ (۴) مَوْسُومَهُ بِغَضَبِ اللّهِ وَ شَنَارِ (۵) الأَبَدِ، مَوْصُولَهُ بِنَارِ اللّهِ المَوْقَدَةِ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَيَّ الأَفْنِدَةِ.

فَبِعَيْنِ اللّهِ مَا تَفْعَلُونَ. «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»*(۶)

وَ أَنَا ابْنُهُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا «إِنَّا عَامِلُونَ»*(۷) - (۸) وَ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ»*(۹)

ص: ۵۴

۱- ۱۷۶. از «حقب» ریسمانی که با آن رحل را به شکم شتر می بندند و آماده سوار شدن می شود.

۲- ۱۷۷. زخمی که در پشت شتر و یا هر مرکبی باشد.

۳- ۱۷۸. نازک شدن پشت پای شتر.

۴- ۱۷۹. عیبی که در معرض زوال نباشد.

۵- ۱۸۰. عیب و عار.

۶- ۱۸۱. سوره شعراء: آیه ۲۲۷.

۷- ۱۸۲. سوره شعراء: آیه ۲۲۷.

۸- ۱۸۳....

۹- ۱۸۴. سوره هود: آیه ۱۲۲ - ۱۲۱.

اکنون که چنین است این مرکب خلافت و آن فدک، همه از آن شما، محکم بچسبید و رها نکنید ولی بدانید این مرکبی نیست که بتوانید راه خود را بر آن ادامه دهید: پشتش زخم، و کف پایش شکافته است! داغ ننگ بر آن خورده، و غضب خداوند علامت آن است، و رسوایی ابدی همراه آن، و سرانجام به آتش برافروخته خشم الهی که از دل ها سر بر می کشد خواهد پیوست!

فراموش نکنید آنچه را انجام می دهید در برابر خداست.

«آنها که ستم کردند به زودی می دانند که بازگشتشان به کجاست!»

و من دختر پیامبری هستم که شما را در برابر عذاب شدید انذار کرد، «آنچه از دست شما بر می آید انجام دهید، ما هم انجام می دهیم؛ و انتظار بکشید، ما هم منتظریم!».

ص: ۵۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

